



باتریک مودیانو
سیرتین که می گذرد
ترجمہ از سید سوسوی پاک

- جلد نو -

www.ketab.ir

سرشناسه: مودیانو، پاتریک، - ۱۹۴۵ م.
عنوان و نام پدیدآور: سیرکی که می‌گذرد / پاتریک مودیانو؛ [مترجم] نسیم
موسوی پاک

مشخصات نشر: تهران، نشر چشمه، ۱۳۹۳

مشخصات ظاهری: ۱۲۹ ص.

شابک: 978-600-229-371-8

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

Un cirque passe, 1992

یادداشت: عنوان اصلی:

موضوع: داستان‌های فرانسه - قرن ۲۰ م.

شناسه‌ی افزوده: موسوی پاک، نسیم، - ۱۳۶۲، مترجم

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۲ س ۹ / PQ۲۶۸۱

رده‌بندی دیویی: ۴۳۸ / ۹۱۴

شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۲۵۸۵۰۲۲

رده‌بندی شرح‌چشمه: ادبیات - داستان غیر فارسی - رمان فرانسوی

سیرکی که می‌گذرد

پاتریک مودیانو

نسیم موسوی پاک

ویراستار: مهران موسوی

مدیر هنری: ...

لیتوگرافی: باختر

چاپ: دالاهو

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۳، تهران

۷۵۰۰ تومان

ناظر فنی چاپ: یوسف امیرکیان

هرگونه اقتباس و استفاده از این اثر، مشروط به اجازه‌ی کتبی از ناشر است.

حق چاپ و انتشار محفوظ و مخصوص نشر چشمه است.

www.cheshmch.ir

شابک: ۸ - ۳۷۱ - ۲۲۹ - ۶۰۰ - ۹۷۸

دفتر مرکزی و فروش نشر چشمه: تهران، خیابان انقلاب، خیابان ابوریحان بیرونی، خیابان وحدت نظری، شماره‌ی ۳۵

تلفن: ۶۶۴۹۲۵۲۴ - دورنگار: ۶۶۴۹۱۴۵۵

فروشگاه نشر چشمه: تهران، خیابان کریم‌خان زند، نش میرزای شیرازی، شماره‌ی ۱۰۷، تلفن: ۸۸۹۰۷۷۶۶

پیش‌گفتار

پاتریک مودیانو^۱، نویسنده‌ی «سفر فرانسوی»، در سال ۱۹۴۵ در بولونی بیلان‌کور به دنیا آمد. او را ژان نیز می‌خوانند. پدرش ایتالیایی و مادرش بلژیکی و بازیگر تئاتر بود. پدرش، آلبرت مودیانو، در زمان جنگ جهانی دوم در فرانسه نام مستعار هنری لاگرو^۲ به تجارت غیرقانونی مشغول بود و مادرش در برلین^۳، برای ایفای نقش در تئاتر مدام سفر می‌کرد. بنابراین گفته‌ی مودیانو، پدر و مادرش انسان‌هایی ماجراجو و اسرارآمیز بودند. در سال ۱۹۴۹، او و برادرش، رودی^۴، که دو سال از او کوچک‌تر بود، خانه‌شان را در اسکله‌ی کنتی^۵ پاریس به مقصد شهر بیاریتز^۶ ترک کردند و یک سال بعد به پاریس بازگشتند. پاتریک مودیانو دوران کودکی‌اش را دور از خانواده، همراه برادرش در مدرسه‌ی شبانه‌روزی سپری کرد. وی تحصیلات ابتدایی‌اش را در مدرسه‌ی مونسئل^۷ به پایان رساند و دوران دبیرستان را در دبیرستان شبانه‌روزی هنری پاریس گذراند که این دوران تأثیر مهمی بر ذهن نویسنده گذاشت، همان‌طور که نیز به این نکته اشاره می‌کند: «من در دبیرستان هنری چهارم پانسیون شده بودم؛ در واقع در شهری که پدر و مادرم در آن زندگی می‌کردند، زندانی شده بودم. این موضوع

1. Patrick Modiano

4. Rudy

7. Montcel

2. Henri Lagroux

5. Conti

3. Louisa Colpeyn

6. Biarritz

زندگی را برایم سخت و تحمل‌ناپذیر می‌کرد. دوستانم ساعت چهار به خانه‌هایشان برمی‌گشتند و من در خوابگاه دبیرستان، همراه نگهبان شب، می‌ماندم. همه چیز برایم بی‌معنا بود.» در سال ۱۹۵۷، برادر مودیانو در ده‌سالگی بر اثر بیماری لوسمی درگذشت و در پلاش^۱ به خاک سپرده شد. با مرگ رودی، ضربه‌ی روحی شدیدی به مودیانو وارد و این مرگ کلید آثارش شد. آن‌گونه که خود اعتراف می‌کند، پس از مرگ رودی، جست‌وجوی مودیانو به دنبال چیزی گم‌شده آغاز شد. جست‌جو در گذشته‌ای بود که او در آن کودکی ازهم‌گسیخته، ذهن او را به خود مشغول می‌کرد. پاتریک مودیانو بین سال‌های ۱۹۶۷ و ۱۹۸۲ تمام آثارش را به برادرش تقدیم کرد. در سال ۱۹۶۰، پدر و مادر مودیانو از هم جدا شدند و پدرش با زنی ایتالیایی، که بیست سال از او جوان‌تر بود، ازدواج کرد. پاتریک مودیانو در سال ۱۹۶۶ برای آخرین بار با پدرش ملاقات کرد.

مودیانو در سال ۱۹۶۵ دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه سوربن ثبت‌نام کرد، اما تحصیلاتش را نیمه‌کاره رها کرد و به نوشتن زندگی‌روی آورد. او در دوران نوجوانی بسیار متأثر از آثار بالزاک و سیمنون^۲ بود.

اولین اثر او *میدان ایتال*^۳ نام دارد که در سال ۱۹۶۸ منتشر شد. این اثر جوایز فنتون^۴ و روزه نیمیه^۵ را بُرد. مودیانو در سال ۱۹۷۰ نویسنده‌ی فرانسوی، دومینیک زرفوس^۶، ازدواج کرد و دو کتاب *ماجرای شورا* و *مونس برای شورا*^۷ را در سال‌های ۱۹۸۶ و ۱۹۸۷ با همکاری همسرش نوشت. چهار سال بعد، همزمان با تولد دخترش، زینا^۸، سناریو فیلم *لاکومب لوسین*^۹ را نوشت. در سال ۱۹۷۳، پدرش درگذشت و این امر سبب یادآوری خاطرات و نگارش کتاب *شجره‌ی مانا*^{۱۰} شد. مودیانو با نامه‌ای از مرگ پدر خبردار شد و از محل دفن وی بی‌اطلاع ماند. یک سال بعد، دختر دوم او، ماری، به دنیا آمد.

1. Père Lachaise

2. Simenon

3. Place de l'Étoile

4. Prix Fénelon

5. Prix Roger Nimier

6. Dominique Zehrfuss

7. Une aventure de Choura

8. Une fiancée pour Choura

9. Zina

10. Lacombe Lucien, film de Louis Malle

11. Livret de Famille

پاتریک مودیانو در طول دوران نویسندگی اش موفق به کسب جوایز بسیاری شد که از میان آن‌ها می‌توان به جایزه‌ی بزرگ آکادمی فرانسه برای رمان *بلوارهای کمربندی*^۱ در سال ۱۹۷۲، جایزه‌ی کتاب‌فروشان^۲ برای رمان *ویلاي غمگین*^۳ در سال ۱۹۷۶، جایزه‌ی گنکور^۴ برای رمان *خیابان بوتیک‌های خاموش*^۵ در سال ۱۹۷۸، جایزه‌ی ملی دیپلمات برای مجموعه آثارش، جایزه‌ی ادبی پرنس موناکو^۶ برای مجموعه آثارش در سال ۱۹۸۴، جایزه‌ی بزرگ ادبی پل موران^۷ برای مجموعه آثارش در سال ۲۰۰۰ و جایزه‌ی جنرال دوک^۸ برای مجموعه آثارش در سال ۲۰۱۰ اشاره کرد. تاکنون بیش از بیست و پنج داستان از وی منتشر شده است، از جمله:

گردش شبانه^{۱۱} (۱۹۶۹)، *جوانی*^{۱۱} (۱۹۸۱)، *پسرانی چنین نازنین*^{۱۲} (۱۹۸۲)، *محل‌هی گم‌شده*^{۱۳} (۱۹۸۵)، *ماه عسل*^{۱۴} (۱۹۹۰)، *گل‌های ویرانی*^{۱۵} (۱۹۹۱)، *بهار ملال‌انگیز*^{۱۶} (۱۹۹۳)، *غشای*^{۱۷} (۱۹۹۹)، *جواهر کوچک*^{۱۸} (۲۰۰۱)، *تصادف شبانه*^{۱۹} (۲۰۰۳)، *در فهی گم‌شده*^{۲۰} (۲۰۰۷)، *افق*^{۲۱} (۲۰۱۰) چندین فیلم نیز براساس آثار او ساخته شده است، از جمله:

- *جوانی*، به کارگردانی موشه میزراهی^{۲۲} سال ۱۹۸۳ براساس رمان *جوانی*.
 - *عطر ایوون*^{۲۳}، به کارگردانی پاتریس لوکونف^{۲۴} در سال ۱۹۹۵ براساس رمان *ویلاي غمگین*.
 - *دوستت دارم*^{۲۵}، به کارگردانی مانوئل پواریر^{۲۶} در سال ۲۰۰۱ براساس رمان *یکشنبه‌ی اوت*.

1. *Les Boulevards de ceinture*
2. *Le Christe*
3. *Rue des boutiques obscures*
4. *Prince-Pierre-de Monaco*
5. *Cino Del Duca*
6. *Une jeunesse*
7. *Quartier perdu*
8. *Fleurs de ruine*
9. *Des inconnues*
10. *Accident nocturne*
11. *L'horizon*
12. *Le parfum d'Yvonne*
13. *Te quiero*

2. Prix des Libraires
4. Goncourt
6. Le Grand Prix national des Lettres
8. Grand prix de littérature Paul-Morand
10. *La Ronde de nuit*
12. *De si braves garçons*
14. *Voyage de noces*
16. *Chien de printemps*
18. *La Petite Bijou*
20. *Dans la café de la jeunesse perdue*
22. Moshé Mizrahi
24. Patrice Leconte
26. Manuel Poirier

- رهگذران^۱، به کارگردانی آلن ناهوم^۲ در سال ۲۰۰۶ براساس رمان سیرکی که می‌گذرد.

مودیانو در اغلب آثارش زندگی روزمره‌ی افراد عادی را به تصویر می‌کشد و با نگاهی تازه به واقعیات زندگی، آثاری بدیع می‌آفریند. آنچه موجب متمایز شدن داستان‌های او می‌شود، لذت همراهی خواننده با قهرمان داستان است که گاه بی هیچ هدف مشخصی از زندگی را ورق می‌زند. مودیانو نویسنده‌ای است که دنیای خاص خود را می‌آفریند: دنیایی مملو از خاطرات. او به بازآفرینی گذشته نمی‌پردازد، بلکه با دمیدن به غبار ناشناخته‌ی آن زمان، ماجراهای گذشته را جلوه‌گر می‌کند. شخصیت‌های داستانی مودیانو اغلب در لحظات سخت زندگی می‌کنند و در پی یافتن پاسخی برای آنچه در گذشته رخ داده است می‌گردند. بیشتر آثار او می‌توان ردپای زندگی واقعی‌اش را مشاهده کرد و بیشتر آثار او بر مبنای خاطراتی که از گذشته‌های دور دارند. مودیانو در اغلب داستان‌هایش به خاطرات دوران نوجوانی‌اش، به آن دوره که در کالج گذرانده، زندگی مرموز پدرش، محله‌هایی که زمانی به آن جا رفت می‌کرد، نیز به مادرش اشاره می‌کند. اما در آثار او تنها اشاره‌ی کوچکی به مادرش شده است که نخستین دلیل آن را این‌گونه بیان می‌کند: «در آثار من، مادرم غایب است، چرا که می‌خواهم این داستان‌ها مضمون بدارم.»

نثر شیوا، ایجاز جمله‌ها و نام بردن از مکان‌های حقیقی از زندگی‌های نویسندگی مودیانو است. او خواننده را به دنیایی آشنا و پسر از تردید و بی‌ثباتی سرد و یس‌آدوری می‌کند برای بسیاری از سؤال‌های زندگی، نمی‌توان به پاسخی آشکار رسید. یافتن گاه جست‌وجوی جواب لذت زندگی را ذره‌ذره در کام تلخ می‌کند. سیرکی که می‌گذرد یکی از داستان‌های مودیانو در پرده‌ای از ابهام به پایان برسد، اما آنچه مهم است احساسی است که در پایان هر داستان در خواننده به وجود می‌آید: احساسی خوشایند همراه با اندوه!

رمان سیرکی که می‌گذرد در سال ۱۹۹۲ منتشر شد. مودیانو در این رمان به زندگی نوجوانی هجده‌ساله می‌پردازد که به دنبال آشنایی با دختری جوان، زندگی‌اش دستخوش حوادث گوناگونی می‌شود و قدم به دنیای پُررمزوراز می‌گذارد. عنوان کتاب نمادین است و به این مضمون اشاره می‌کند که زندگی مانند سیرکی است که می‌گذرد. مضامین حاکم بر این داستان، مانند دیگر آثار مودیانو، مرموز و اسرارآمیز است و خواننده را به دنبال کردن داستان ترغیب می‌کند. با این‌که شخصیت‌های این رمان در پرده‌های ابهام می‌مانند، خواننده نسبت به تک‌تک آن‌ها احساس نزدیکی می‌کند، زیرا شخصیت‌ها مودیانو متعلق به دنیای واقعی‌اند. او در این رمان گاه گذشته را با زمان حال می‌آمیزد. در سفر به خاطرات، خواننده را با خودش همسفر می‌کند و با چنان تبحری او را به دل سفر اسرارآمیز می‌برد که خواننده می‌پندارد تمام حوادث را از دریچه‌ی چشمان خود می‌بیند. مودیانو در این داستان به شش روز از زندگی جوانی می‌پردازد که لذت حضور در رمان‌کنندگاو در زندگی گذشته‌ی افراد ترجیح می‌دهد و فارغ از دنیای منطقی، به دنبال کشیدن یک زندگی رویایی، دور از هیاهو و دغدغه، است. با این‌که خواننده احساس می‌کند شخصیت‌های اصلی داستان را از سال‌ها پیش می‌شناسد، در حقیقت درباره‌ی گذشته‌ی زندگی آن‌ها چیز زیادی در نمی‌یابد و این هنر نویسندگی مودیانو است که تضاد بین گذشته و حال را با خواننده را مسحور داستان می‌کند.

در این اثر قهرمان داستان پسری هجده‌ساله است که رویای نویسندگی در سر می‌پروراند. پدرش او را ترک کرده و با زنی ایتالیایی، که بیست سال از او بزرگ‌تر است، در کشور دیگری زندگی می‌کند. مادرش نیز بازیگر تئاتر است و پسرش را پرورش داده. همه‌ی این خرده‌داستان‌ها از زندگی خود نویسنده می‌آیند و نویسنده با قهرمان داستان احساس همذات‌پنداری می‌کند. حتا آپارتمان قهرمان داستان همان آپارتمان شماره‌ی پانزده اسکله‌ی کنتی در پاریس، یعنی خانه‌ی قدیمی مودیانو، است. شاید بتوان گفت در این اثر نویسنده، مانند اغلب آثارش، به بازآفرینی برخی از خاطراتش می‌پردازد.